

* بازنگری در تعریف، مفهوم، محتوا و ویژگی‌های طب اسلامی با

الهام از رهنمودهای حضرت امام علی بن موسی الرضا علیه السلام

محمد مهدی اصفهانی

چکیده

طرح مسأله طب اسلامی با نگاهی همه‌سو نگر و با الهام از آموزه‌های امام علی بن موسی الرضا (ع) ضرورت و اهمیتی خاص دارد تا به دور از افراط و تفریط با پای نهادن در جای پای رهنمودهای پیامبر اکرم (ص) و اهل بیت مکریشان علیهم السلام و به ویژه با خوشه‌چینی از خرمن آموزه‌های پزشکی حضرت ثامن الحجج علیهم السلام تصویری روشن‌تر از سامانه طب اسلامی ارائه شود و همان‌گونه که در صلوات شعبانیه آمده است نه پیشاپیش و نه دور و وامانده از حرکت معصومین علیهم السلام بلکه همراه کاروان هدایت آنها حرکت کنیم که:

«المتقدم لهم مارق و المتأخر عنهم زاهق و اللازم لهم لاحق»^۱

واژگان کلیدی

طب اسلامی؛ آموزه‌های پزشکی اهل بیت (ع)؛ رساله ذهبیه.

* این مقاله به مناسبت ولادت با سعادت امام علی بن موسی الرضا (ع) به صورت سخنرانی ارائه شده و اینک با تغییراتی که توسط مؤلف محترم صورت پذیرفته به صورت مقاله ارائه می‌گردد.

بازنگری در تعریف، مفهوم، محتوا و ویژگی‌های طب اسلامی با الهام از

رهنمودهای حضرت امام علی بن موسی الرضا علیه السلام

مقدمه را با یک سؤال ساده اما مهم آغاز می‌کنیم و آن اینکه آیا اصطلاح کلمه طب اسلامی یک اصطلاح ساختگی است یا یک مفهوم قابل ارائه و دفاع و پیش‌نیاز «بحث‌های آینده» ما است؟ در زمان وجود مقدس پیامبر اکرم (ص) بانکی وجود نداشت، نظام جمهوری نیز دیده نمی‌شد، اما در زمان ما هم بانکداری اسلامی و هم نظام جمهوری اسلامی واقعیت و موجودیت و تعریف روشنی برای همه در جهان دارد. بانکداری اسلامی، آن نظام معاملات بانکی است که در فرایندهای آن، کاری مغایر و در تضاد با احکام فقهی صورت نگیرد و ترجیحاً از معاملات پیش‌بینی شده و مصوب فقه اسلامی در فرایندهای بانکداری استفاده شود. جمهوری اسلامی نیز در حقیقت یک نظام حکومتی مبتنی بر آرای مردم است که در قوانینش نه تنها در تضاد با آموزه‌های دینی نکته‌ای دیده نشود؛ بلکه تا حد امکان به گونه‌ای قانون‌گذاری و کشورداری شود که قوانین و رهنمودهای حکومتی اسلامی حضور و حاکمیت داشته باشد.

با این توضیح وقتی درباره طب اسلامی سخن می‌گوییم، به نظامی از عرضه خدمات پزشکی در ابعاد آموزشی، پژوهشی، خدمات تأمین، حفظ و ارتقای سلامت به مفهوم جامع آن می‌اندیشیم که نه تنها چیزی در مخالفت و تضاد با فقه و رهنمودهای اسلامی در آن دیده نمی‌شود، بلکه حضور و الهام‌بخشی رهنمودهای اسلامی کاملاً در فرایندهای آن محسوس باشد. به این ترتیب، طب اسلامی یک سامانه است که در هر لحظه برای هر کس و در هر جا می‌تواند خدمات پزشکی مورد نیاز را البته در قالبی پاکیزه و مورد قبول اسلام، بدون ضعف و کاستی و در

کیفیتی مناسب ارائه نماید. اگر به چیزی کمتر از این طب اسلامی گفته شود، بدون شک به شأن والا و رهنمودهای متعالی اسلام جفا شده است.

از این رو، در شرایطی که تحت عنوان طب اسلامی گاهی به چند رهنمود متفرق و غالباً محدود و غیرقابل ارائه در برابر دانش گسترده روز و در یک محیط کاملاً سربسته، بسنده می‌شود، نه تنها خدمتی به اسلام نشده است، بلکه در دنیایی که لحظه لحظه، علم در حال پیشرفت است، مایه وهن اسلام نیز می‌شود. اگر چنین مطالبی را کم و بیش شنیده‌ایم یا می‌شنویم و اگر انتقادی مطرح شود، به گونه‌ای ناپذیرفتنی و شعارگونه به آن پاسخ داده می‌شود.

با توجه به این واقعیت‌ها برآنیم که به یاری پروردگار و با پیروی از رهنمودهای اسلامی، به معرفی و طراحی سامانه‌ای با عنوان طب اسلامی مبادرت ورزیم که برای هر عنوان اساسی آن در این سامانه مؤیداتی از فرهنگ اسلام داشته باشیم.

رسالت اسلام

درست است که رسالت اصلی اسلام، انسان‌سازی، تکامل معنوی انسان و تأمین سعادت دنیوی و اخروی اوست (اصفهانی، ۱۳۸۸، ص ۲۳) اما با توجه به ابعاد وجود مادی، روانی، اجتماعی و روحی و معنوی انسان، در این دین جامع، به همه نیازهای او توجه شده است (اصفهانی، ۱۳۸۸، ص ۲۱) و البته معنای این توجه این نیست که در مورد جزئی‌ترین مسایل زندگی و انواع بیماری‌ها و مانند این‌ها راهکار اجرایی داده شده است که آدمی بتواند بدون استفاده از عقل، علم و تجربه و تلاش مستمر، همه مسایل خود را به کمک آن راهکارها حل کند، بلکه توجه به مسایل و نیازهای انسان به معنای ارائه اصول و کلیاتی است که بشر به کمک

آن‌ها و مدد عقل و علم می‌تواند راه صحیح‌تر را انتخاب کند و به مرور آن را تکامل بخشد.

در میراث اسلامی، آموزه‌های فراوانی در زمینه تأمین، حفظ، بازگرداندن و ارتقای سلامت وجود دارد (اصفهانی، ۱۳۸۸، ص ۲۹). به نظر می‌رسد علاوه بر ده‌ها آیه کریمه قرآنی، حداقل حدود ۳۰۰۰ حدیث غیرتکراری از پیامبر اکرم (ص) و امامان معصوم علیهم‌السلام در این زمینه قابل دسترسی باشد، اگر چه در بررسی اولیه شاید این‌گونه روایات متجاوز از ۱۰۰۰۰ مورد به نظر برسد لیکن با حذف موارد تکراری عدد حدود ۳۰۰۰ حدیث به واقعیت نزدیک‌تر است.

گاهی در این روایات، مضمون واحدی را از یک معصوم یا چند معصوم علیهم‌السلام می‌یابیم و صرف‌نظر از بحث‌های رجالی و سنجش اعتبارات حدیثی، مضامین عالی آن‌ها آدمی را به پذیرش انتساب آن‌ها به مقام عصمت تقریباً متقاعد می‌سازد.

متأسفانه، در طول زمان بیش از یک هزار سال با وجود تلاشی که محققان اسلامی و به‌ویژه فقیهان در بازشناسی و نقد احادیث فقهی مصروف داشته‌اند، تلاش اندکی در باب احادیث پزشکی صورت گرفته است. به همین دلیل، در میان این‌گونه احادیث، امکان وجود احادیث ضعیف‌السند یا احیاناً مغشوش، کم و بیش وجود دارد. شاید علاوه بر بازشناسی مضامین و محتوای آن‌ها تحلیل علمی و کاربرد تجربه نیز مکمل تلاش‌های سامان‌یافته دیگر باشد.

پشتوانه طراحی ساختار طب اسلامی

برای این مقصود که سامانه‌ای نظام‌مند برای کاربرد پزشکی، همسو با رهنمودهای اسلامی و در عین حال پاسخگوی نیاز همگان در هر زمان طراحی

شود و از مجموعه دستاوردهای بشر طی قرون و اعصار و حتی دستاوردهای آینده بشر بتوان با تأیید اندیشه اسلامی بهره گرفت، شواهد فراوانی در کلام و سیره معصومین علیهم السلام و نیز پشتوانه‌های فقهی داریم. جای هیچ تردیدی نیست که اسلام خواهان بهره‌گیری شایسته و بهینه از حداکثر توان بالقوه دانش پزشکی برای همه و به خصوص اهل ایمان است. البته، این بهره‌گیری باید در چارچوب امر و نهی الهی صورت گیرد و این همان چیزی است که از آغاز تاکنون آن را ذیل عنوان نظام طب اسلامی (البته، نه فقط ذیل رهنمودهای طبّی اسلام) تعقیب کرده‌ایم.

در سیره معصومین علیهم السلام از آغاز بعثت استفاده از طبیبان زمان را برای درمان بیماری می‌بینیم؛ طبیبانی که نه براساس دانش مأخوذ از وحی، بلکه براساس طب رایج زمان که محصول اندیشه و تلاش حکیمان پیشین و معاصرشان بود، طبابت می‌کردند (نجم‌آبادی، ۱۳۷۱، ج ۲).

بعضی روایات جهت‌دهنده و حرکت‌آفرین نیز به وضوح مؤمنان را به فراگیری دانش دیگران و بهره‌گیری از اطلاعات و تجارب آن‌ها تشویق و بلکه وادار می‌سازد. از آن جمله:

- «أعلم الناس من جمع علم الناس إلى علمه»^۲، کلمه الی علمه به جای علی علمه جای تأمل و توجه دارد؛ زیرا در حقیقت برگرفتن مجموعه علوم دیگران مقید به قیدی است که با نظام اندیشه اسلامی، اگر همسو نباشد، لااقل نباید در تضاد باشد.
- «من تطبب فلیتق الله و لیجتهد ولینصح»^۳.

اجتهاد در پزشکی به کار بردن معنای نهایت سعی و کوشش برای ارائه صحیح‌ترین و مناسب‌ترین و مقبول‌ترین خدمت پزشکی است و تحقق این امر مستلزم بازآموزی، پژوهش مستمر و بهره‌گیری از همه نوآوری‌هاست.

• «الحکمة ضالة المؤمن، فخذ الحکمة و لو من أهل النفاق.»^۴

• «اطلبوا العلم ولو بالصین.»^۵

و طبیعی است، علمی که ممکن بود، مثلاً از کفار چین گرفته شود، علم خداشناسی و احکام دینی نیست، بلکه علوم مورد نیاز دیگر از جمله علم طب می‌تواند باشد.

روایات متعدد دیگر که نیازی به ذکر آن‌ها نمی‌بینیم. آنچه از مجموعه این‌ها استنباط می‌شود، اهمیتی است که اسلام برای استفاده اهل ایمان از علوم دیگران قائل است (البته با همان قید عدم تضاد با آموزه‌های دینی و ترجیحاً همسو بودن با آن‌ها) و فقط به تناسب عنوان بحث به یک مورد دیگر مربوط به رساله ذهبیه حضرت امام رضا (ع) در جای خود اشاره خواهیم کرد. در فقه اسلامی به‌ویژه فقه پویا و مترقی شیعه، قواعد متعددی وجود دارد که همه مؤمنان و جامعه و نظام حکومت اسلامی را به بهره‌گیری از پیشرفته‌ترین دستاوردهای علمی از جمله در زمینه پزشکی مکلف می‌کند. برخی از این قواعد عبارتند از: قاعده ضمان طبیب، قاعده نفی سیل کفار، نفی عسر و حرج، وجوب مقدمه واجب و حرمت مقدمه حرام (اصفهانی، ۱۳۸۸، صص ۳۱ تا ۴۴).

با صدای بلند و اطمینان خاطر اعلام می‌کنیم که با وجود چنین پشتوانه‌هایی، جامعه اسلامی حق ندارد، در علوم و از جمله در مسایل پزشکی از کفار عقب‌تر باشد و اگر هر جا به کفار وابسته‌ایم و نسبت به آن‌ها احساس نیاز می‌کنیم نتیجه

زیر پا گذاشتن احکامی است که ما را به شدت برای پیشرفت علمی تشویق می‌کند.

تکرار این تأکیدات برای این است که بیش از این، شاهد طرح برخی دیدگاه‌های محدود و عوام‌زدگی‌ها در مسأله‌ای به این مهمی در دنیایی این‌گونه در حال پیشرفت و با سرمایه عظیمی که از اندیشه‌های اسلامی متأسفانه غافلانه بایگانی کرده‌ایم نباشیم.

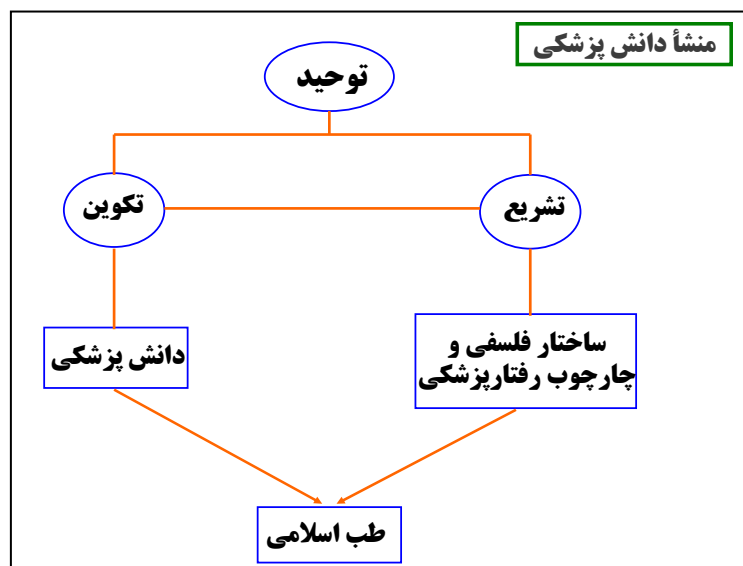
نگاهی دوباره به دو اصطلاح طب اسلامی و طب دوران تمدن اسلامی

آنچه غالباً در آثار منتشر شده توسط مؤلفان غربی و بسیاری از نویسندگان مسلمان تحت عنوان طب اسلامی دیده می‌شود، در حقیقت همان طب دوران تمدن اسلامی است که آمیزه‌ای است از طب یونانی و دستاوردهای پزشکان مسلمان و حتی غیرمسلمان دوران تمدن اسلامی که از آموزه‌های اسلامی نیز تأثیر پذیرفته و از تجارب و یافته‌های مکاتب پزشکی ایرانی باستان، هندی، چینی و... هم بهره‌ها گرفته است. طب اسلامی با این ویژگی‌ها تقریباً همان چیزی است که ما آن را تحت عنوان طب سنتی یا طب ایرانی - اسلامی می‌شناسیم. گرچه همین اصطلاح طب سنتی نیز برای توصیف این گنجینه عظیم میراث پزشکی بسیار نارسا است.

اما آنچه مورد بحث ماست، طب اسلامی به مفهوم خاص آن است که به طور مستقیم یا غیرمستقیم از آموزه‌های اسلامی نشأت گرفته و اگر از مسیر تلاش اندیشه و تجربه بشری نیز به دست آمده باشد، با عبور از چارچوب ساختاری اصول و مبانی و بایدها و نبایدهای طب خالص اسلامی با محتوا و ویژگی‌های طب اسلامی همگون و سازگار شده است.

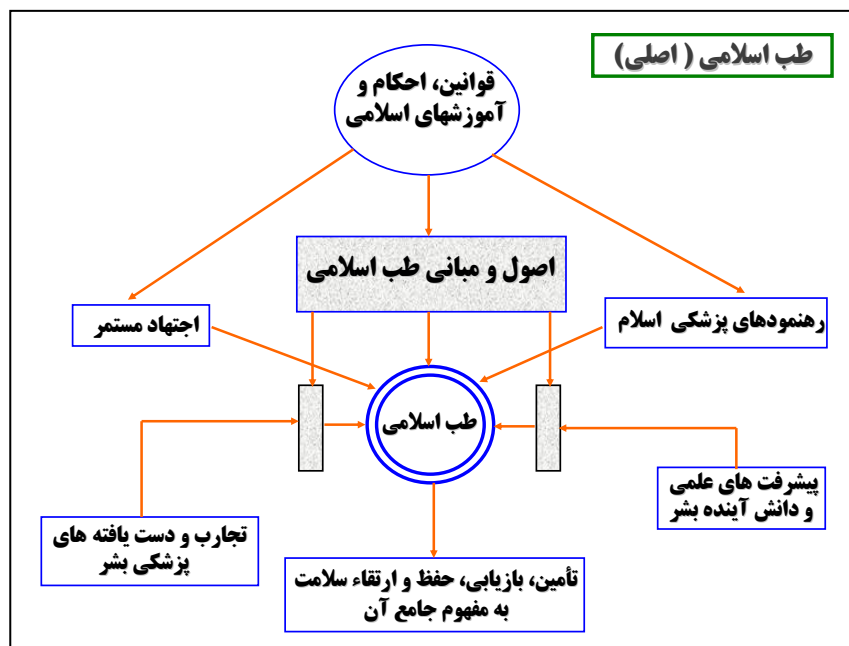
منشأ دانش پزشکی

خداوند، آفریننده جهان هستی (کتاب تکوین) و قانون‌گذار حقیقی و خالق نظام تشریع (کتاب تشریع) است. از مطالعه در کتاب تکوین می‌توان به دانش پزشکی راه یافت. اگرچه شواهد و قرائن و روایات قابل استناد معتناهی وجود دارد که از نقش انبیای الهی (از حضرت آدم علیه‌السلام تا حضرت خاتم انبیاء صلی‌الله علیه و آله) در پیدایش، تدوین و تکامل دانش پزشکی سخن می‌گوید. همچنان که به وحی و عقل به عنوان دو حجت خدا (یکی جهت بیرونی و دیگری جهت درونی) اشاره شده و به هر صورت، پزشکی محصول تلاش و دریافت از این دو حجت است. به هر حال، ساختار فلسفی و چارچوب رفتار پزشکی را می‌توان از آموزه‌های دینی استنباط و تدوین نمود. حال اگر همزمان و هماهنگ با تحقیق در نظام آفرینش و دستیابی به نظامات و یافته‌های قابل استفاده در پزشکی، از آموزه‌های دینی ناظر بر رفتار پزشکی غفلت نشود، در حقیقت، طب الهی یا در بحث ما طب اسلامی شکل می‌گیرد.



نگاهی دوباره به منشأ طب اسلامی و دوران تمدن اسلامی

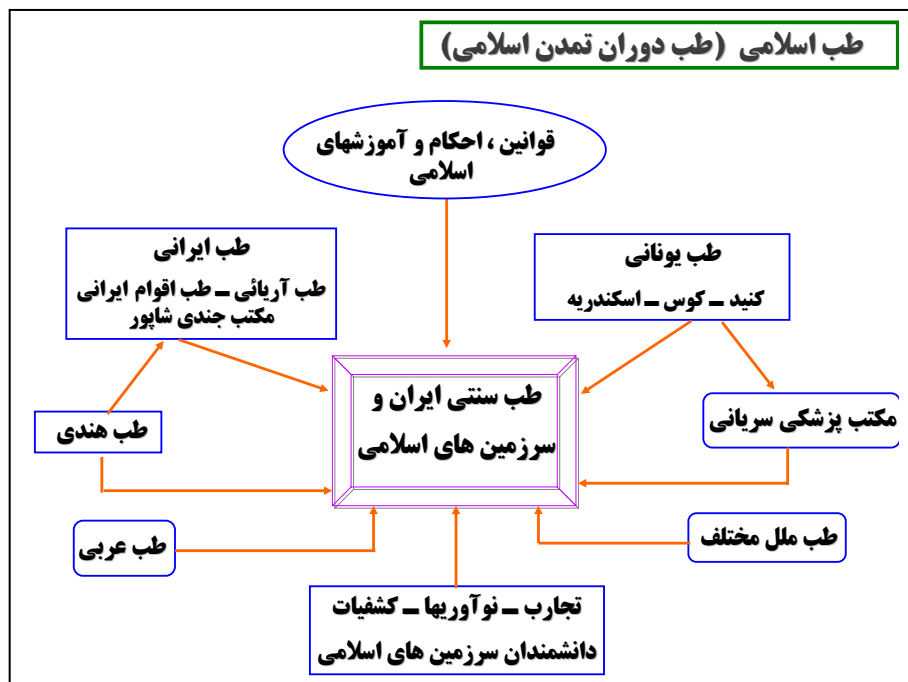
در حقیقت، طب اسلامی ساختار و چارچوب اندیشه‌ای اثربخش و پویا در پزشکی و دانش‌های وابسته به آن است که سرچشمه اصلی آن به طور مستقیم یا غیرمستقیم قرآن کریم، سنت پیامبر اکرم (ص) و ائمه معصومین علیهم‌السلام و استنباطات فقهی مبتنی بر مدارک چهارگانه (قرآن، سنت، اجماع و عقل) است. در چنین ساختاری، دانش پزشکی محصول افاضات و رهنمودهای اسلامی (قرآن کریم و روایات پیامبر (ص) و معصومین علیهم‌السلام) و تلاش عقل و تجربه آدمیان در شناسایی روابط قوانین حکمت‌آمیز کتاب تکوین است.



بنابراین، عجیب و دور از انتظار نیست که در طب اسلامی با الهام از اصول کلی و بنیادی اندیشه اسلامی، ضمن بهره‌گیری از دستاوردهای گذشته، حال و آینده تمام جهان، در چارچوب یک تفکر و جهان‌بینی همه‌سونگر و ملحوظ داشتن

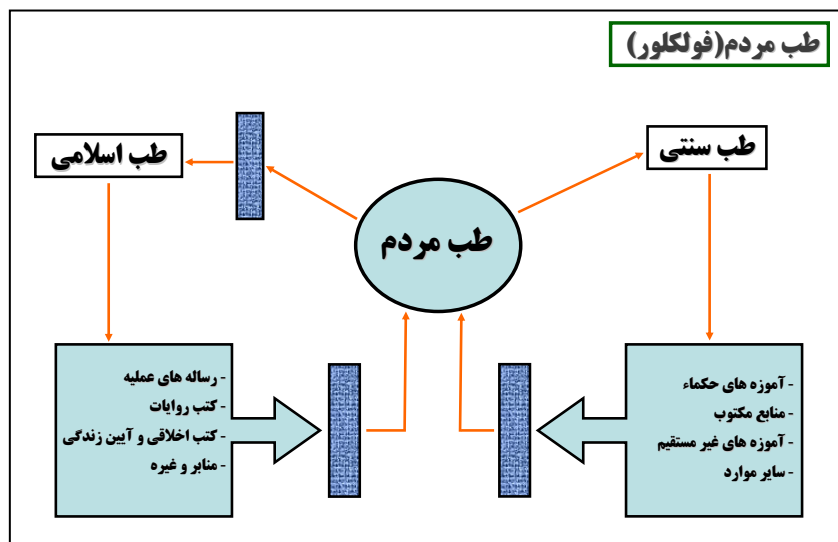
حیات دنیوی و اخروی آدمی، همواره اجزاء و ارتباطات نظام پزشکی با معیارهای مشخص اسلامی بازنگری و در جهت اهداف والا و کمال‌جویانه به‌گزینی و سامان‌بخشی شود. به عنوان یک واقعیت انکارناپذیر در همین حال از نظر دور نخواهیم داشت که در این سامانه رهنمودهای مشخصی در زمینه تأمین و ارتقای سلامت، ویژگی‌های پزشکان و صاحبان مشاغل بهداشتی - درمانی و آموزشی پژوهشی مداوم و مسئولانه و صدها عنوان دیگر ارائه می‌نماید.

اما طب سنتی ما و ملل اسلامی در حقیقت برگرفته از طب یونانی (طب مکاتب پزشکی کنید، کوس و اسکندریه) طب مکتب پزشکی سریانی (طب حران، اورفا، ادسا، رها و...) و طب ایرانی (طب آریایی، طب اقوام ایرانی، مکتب پزشکی جندی‌شاپور)، طب هندی، طب عربی، طب ملل مختلف دور و نزدیک و تجارب، نوآوری‌ها و کشفیات دانشمندان سرزمین‌های اسلامی به ویژه سرزمین ایران بزرگ است که در سایه قوانین، احکام و رهنمودهای پزشکی اسلام تغییر و تکامل یافته است.



با وجود تأثیرپذیری این دانش پزشکی از آموزش‌های اسلامی، اطلاق عنوان «طب اسلامی» بر آن، ناصواب و غیرقابل دفاع است و نویسندگان کتاب‌های اصلی این دوران نظیر محمدبن زکریای رازی، علی بن عباس مجوسی اهوازی، ابن سینا، جرجانی، ابن مندویه، ابن بیطار و صدها شخصیت برجسته دیگر نیز هرگز چنین ادعایی نکرده‌اند و غالباً صادقانه به مأخذ آثار خود در متن تألیفاتشان به کرات اشاره نموده‌اند.

در کنار طب سنتی، سخنی از طب عامیانه یا طب مردم (folk medicine) نیز مطرح می‌شود. طب عامیانه صرف‌نظر از آمیختگی آن با حقایق و اوهام، لااقل در سرزمین فرهنگی ایران بزرگ، از آموزه‌های اسلامی نیز همانند دیگر آموزه‌ها تأثیر پذیرفته است و متقابلاً با تعریفی که از طب اسلامی به معنای خاص کلمه ارائه داده‌ایم، بخش‌هایی از آن می‌تواند در شرایط اتقان و سودمندی وارد طب اسلامی شود.



نقش اسلام در رشد و شکوفایی دانش پزشکی

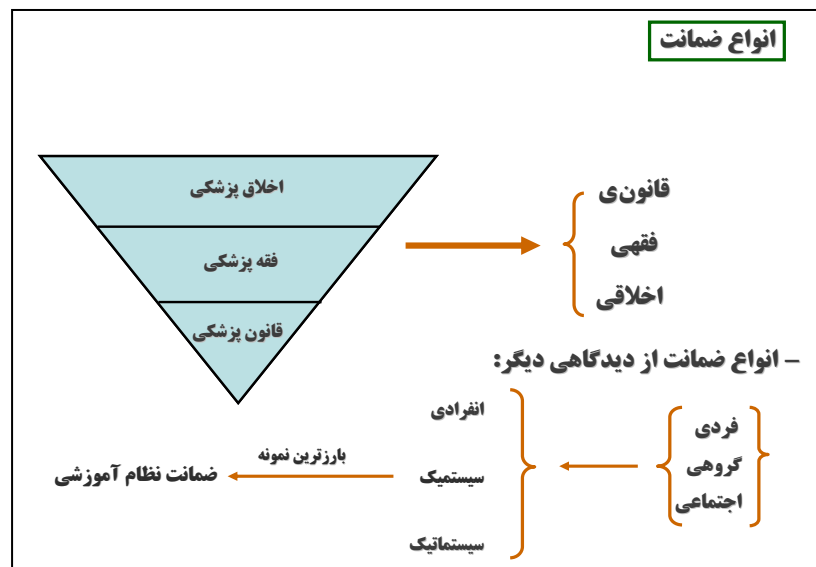
به هر حال، بازشناسی طب اسلامی مستلزم نگاهی دوباره به نقش آیین مقدس اسلام در رشد، تکامل و شکوفایی دانش پزشکی است که فقط فهرست وار به ذکر عناوین بحث بسنده می‌کنیم و در ذیل دو عنوان نقش غیرمستقیم و مستقیم، نمونه‌ای از نکته‌های مورد توجه آموزه‌های اسلامی را بازگو می‌کنیم:

الف) نقش غیرمستقیم

- درهم شکستن نظام طبقاتی — عمومی شدن آموزش
- تأکید بر علم‌آموزی
- دانش گم شده مؤمن
- شفابخشی کاری خدایی است — دانش پزشکی تهیه مقدمه و اسباب برای تحقق این کار خدایی است.
- طبابت در آموزش‌های وحی ریشه دارد — معجزه انبیاء
- تأمین سلامت یک ارزش دینی و یک خواسته اساسی در ادعیه است.
- پزشکی و بهداشت، مقدمه لازم برای تحقق یک واجب الهی است.

ب) نقش مستقیم

- اعلام تسخیر قوای زمین و آسمان‌ها
- ارزش وجودی انسان و ضرورت حفظ حیات، سلامت و کرامت او
- وجوب کفایی پزشکی (وجوب مقدمه واجب)
- ضمانت در خدمات پزشکی — دانش پیشرو — دقت — مهارت — رفتار مسؤولانه و پیش‌بینی‌های لازم



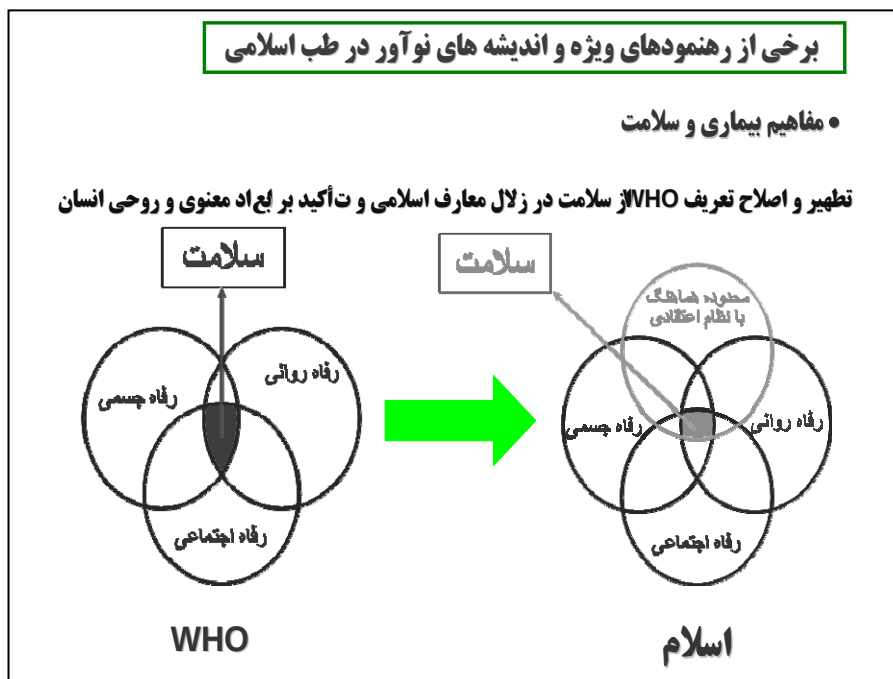
- تمام بیماری‌ها قابل درمان هستند ← تشویق به پژوهش و امید جدی به موفقیت
- ارتباطات متقابل میکروکاسموس و ماکروکاسموس (انسان و کائنات)
- ارتباطات روح و جسم

ویژگی‌های لازم و پسندیده برای ارائه‌کنندگان خدمات پزشکی

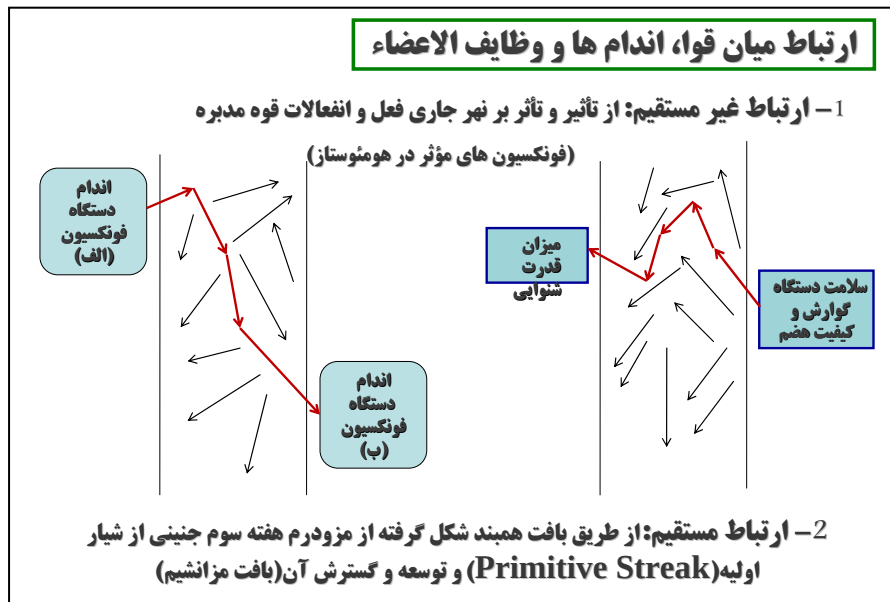
- ویژگی‌های خلقی و رفتاری فردی و حرفه‌ای
- تقوا و بازآموزی
- تلاش
- نوآموزی
- نظم
- پژوهش
- مهارت و حذاقت

- خیرخواهی
- ادای امانت
- تعمیم آموزش‌های کاربردی
- جلب اعتماد
- بصیرت
- راز داری
- وثوق
- توکل
- رفق
- تعبد و پای‌بندی به مکارم و محاسن و احکام و....
- رسیدگی خوب

برخی از رهنمودهای ویژه و اندیشه‌های نوآور در طب اسلامی



- مفهوم بیماری و سلامت (ضرورت بازنگری در تعریف سلامت از دیدگاه سازمان جهانی بهداشت)
- نگاه همه‌سو نگر به انسان و مسایل او
- نوآوری‌های بهداشتی و تغذیه‌ای
- توجه ویژه به یاتروژنی و عوارض جانبی داروها
- تأکید بر تقدم پیشگیری بر درمان و درمان غذایی و طبیعی بر درمان دارویی و درمان دارویی بر جراحی
- بازشناسی قوه مدبره در بدن و اهمیت اتخاذ روش‌های منطقی در کمک به این قوه در جریان درمان بیماری‌ها یا حفظ و ارتقای سلامت
- مطرح ساختن وراثت غیرکروموزومی در کنار توجه به وراثت کروموزومی
- دانش نوآور کرونوبیولوژی در آموزه‌های اسلامی با صدها نمونه علمی
- قوای مختلف در حیات بیولوژیک و معنوی انسان و روابط مرموز میان آن‌ها و امکان بهره‌گیری‌های کاملاً جدیدی از شناخت این ارتباطات. مثلاً افزایش قدرت شنوایی با تقویت قوه هاضمه، ارتباط گوش و ایجاد خواب و... شاید بتوان برای این‌گونه ارتباطات ناشناخته به رابطه اندام‌ها و عملکردهای مختلف با یک نهر جاری (فعل و انفعالات درون بدن ذیل عنوان قوه مدبره یا هومئواستاز) اشاره نمود.



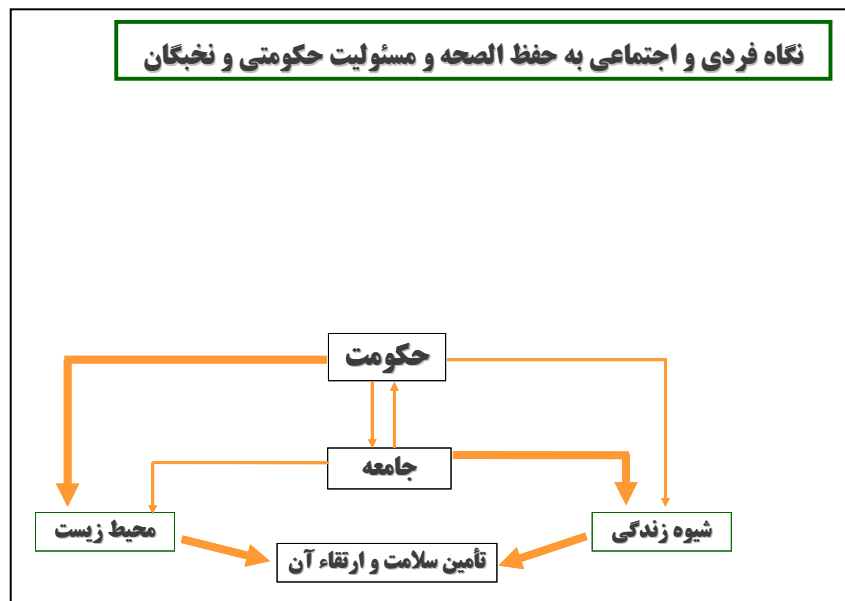
- بازشناسی نقش انواع عوامل بیماری‌زا و نقش ترکیبی آن‌ها در بروز بیماری‌ها
- و صدها رهنمود دیگر در زمینه چگونگی خلقت انسان، رشد و نمو، تغذیه کودکان، نقش آغوز و شیر مادر (حق لبأ و حقوق دوجانبه شیردهی و شیرخواری)، بهداشت جسمی، روانی، اجتماعی، معنوی، جنسی، غذایی، محیط زیست، کار، جایگزینی سن فیزیولوژیک به جای سن تقویمی در بررسی‌های بالینی، مفهوم حیات و مرگ، مفهوم شفا، و... (اصفهانی، ص ۱۳۸۷).

چند نکته و تأکید برای سامانه طب اسلامی

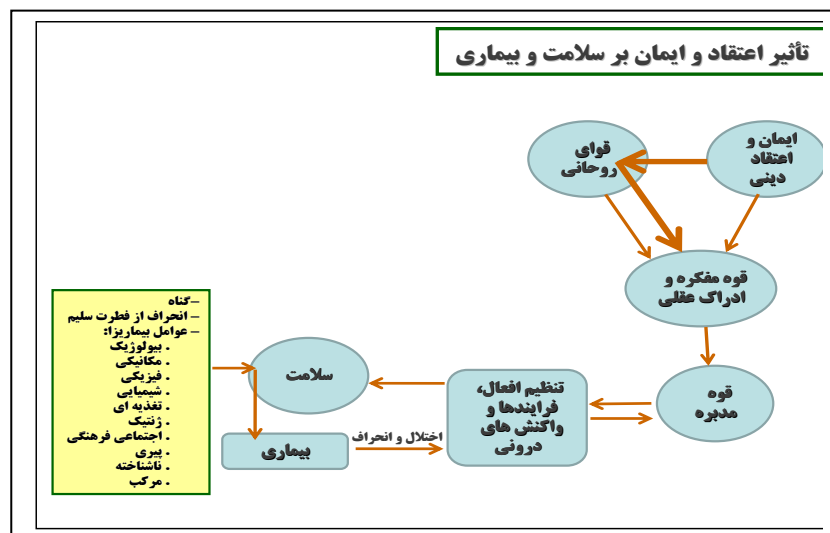
با توجه به ویژگی‌های خصوصیات طب اسلامی در تعریف جامع آن، براساس یافته‌های رهنمودهای اسلامی، موارد زیر مورد تأکید و توجه خاص است:

بازنگری در تعریف، مفهوم، محتوا و ویژگی‌های طب اسلامی...

- تأکید بر پیشگیری و اصلاح شیوه زندگی (life style)



- درمان روحی و روانی



- درمان با غذا
- تدابیر بهداشتی براساس فصل‌ها و ماه‌های هر فصل و روزهای مختلف ماه قمری (در قالب کرونوبیولوژی یا گاه‌شناسی زیستی)
- قرار دادن پیشوندها، پسوندها و میان‌وندهایی همچون chrono، sprito، tempremento و مانند اینها برای بسیاری از مصطلحات رایج پزشکی
- استفاده و توجه به کلماتی همچون خدا، آفرینش به جای کلمات متداولی همچون طبیعت

منابع دستیابی به رهنمودهای طبی حضرت امام رضا علیه السلام

این که تدوین سامانه طب اسلامی را با عنوان الهام از رهنمودهای طبی حضرت رضا علیه‌السلام زینت داده‌ایم با تکرار این واقعیت که کلام آن حضرت همانند و همسو و حتی در بسیاری از موارد تکرار فرمایشات پیامبر اکرم (ص) و دیگر معصومین علیهم‌السلام است، ما را بر آن می‌دارد که علاوه بر منابعی که مستقیماً بیانگر رهنمودهای آن حضرت است همچون کتب عیون/اخبارالرضا (ع)، صحیفه الرضا (ع)، فقه الرضا (ع)، طب الرضا (ع)، رساله ذهبیه و شروح متعدد آن و جستجوی مستقیم سیره و روایات رضوی (ع) در منابع معتبر روایی و تاریخی، به رهنمودهای ذوات مقدسه سایر معصومین علیهم‌السلام نیز توجه کنیم؛ زیرا مضامین واحدی به نقل از چند معصوم علیهم‌السلام نقل شده است.

نگاهی به پیشگفتار، آغاز و پایان رساله ذهبیه

رساله ذهبیه صرف نظر از اینکه برخی کاتبان مزدور دوران عباسی از الفاظی همچون امیرالمؤمنین برای مخاطب آن یعنی مأمون، خلیفه غاصب و ستمگر

عباسی به ناحق استفاده نموده‌اند، در حالی که به یقین چنین خطابی از ناحیه امام معصوم (ع) به غاصب ستمگری چون مأمون صادر نشده است؛ زیرا اولاً در تمام جهان آفرینش بنص روایات معتبره این لقب را جز برای وجود امام بر حق، حضرت علی بن ابیطالب علیه‌السلام حتی برای هیچ امام معصوم دیگری (ع) نمی‌توان به کار برد و ثانیاً اگر در مقام تقیّه چنین سخنی به هر دلیل صادر شده باشد، یک بار کافی بود نه اینکه این لقب مطهر برای ناپاک ناصالحی چون مأمون پیاپی تکرار شود. مضامین و محتوای رساله با دیگر روایات آن حضرت همسانی و همسویی دارد و انتساب چنین رساله‌ای به آن حضرت، صرف‌نظر از برخی کاستی‌ها، زیادی‌ها و الفاظ، برای اهل فن محرز است.

اینک با مراجعه به جلد ۶۲ بحارالانوار (صص ۳۰۷ - ۳۰۹) و نقل جملاتی از پیشگفتار، مقدمه و مؤخره این کتاب گرانقدر، نکته‌هایی را استخراج و ارائه خواهیم کرد که مکمل مباحثی خواهد بود که ما را به تدوین سامانه اسلامی به مفهوم جامع آن رهنمون خواهد شد.

از پیشگفتار خطاب به مأمون

«... عندي من ذلك ما جربته (مما جربته و ما سمعته في الأئمه...) و عرفت صحته بالاختبار و مرور الأيام مع ما وقفني عليه من مضي من السلف، مما لا يسع الإنسان جهله و لا يعذر في تركه، فانا أجمع ذلك مع مايقار به مما يحتاج إلى معرفته».

از مقدمه

«اعلم! أنّ الله لم يبتل الجسد (العبد المؤمن) بداء حتى جعل له دواء يعالج به، و لكلّ صنف من الداء من الدواء و تدبير و نعت».

و در پایان رساله

«و من عمل فیما وصفت فی کتابی هذا و دبر به جسده، أمن بإذن الله تعالى من كل داء و صح جسمه بحول الله و قوته فإن الله تعالى يعطي العافية لمن يشاء و يمنحها آياه و الحمد لله أولاً و آخراً و ظاهراً و باطناً.»

چند نکته از آغاز و پایان رساله ذهبیه

اگر چه نکات آموزنده فراوانی از این رساله قابل استخراج و استنباط است، اما به تناسب موضوع مورد بحث به ذکر چند نکته بسنده می‌کنیم:

۱. از اطلاعات و تجارب پزشکی دیگران می‌توان استفاده کرد و حتی معصوم علیه‌السلام نیز ابایی از ذکر چنین استفاده‌ای ندارد. چنان که در خطبه‌های حضرت امیرالمؤمنین علیه‌السلام نیز استناد به اشعار شعرای غیرمسلمان نیز مکرر دیده می‌شود.

۲. پزشکی عرصه تجربه و تحقیق است.

۳. تجربه و آزمایش در طول زمان صورت می‌گیرد، نه با اکتفا کردن به یک بار یا یک مورد یا یک زمان

۴. همه نیازمند برخورداری از آگاهی‌های پایه بهداشتی هستند و برای هیچ کس در این سطح عذری برای ندانستن پذیرفته نیست.

۵. دریافت اطلاعات بیشتر از منابع متنوع

۶. دستورالعمل‌های رساله ذهبیه فقط ویژه مأمون عباسی نیست، بلکه شمول عام دارد و ضامن سلامت همگانی است.

بازنگری در آموزه‌های اسلامی برای تدوین منشور آموزش و خدمات پزشکی آنچه به نظر ضروری می‌رسید، در قالب مفهوم، منشأ و نقش طب اسلامی در لابه‌لای بحث‌ها، گفته شد، اما می‌توان با بازنگری در آموزه‌های اسلامی، موارد زیر را به عنوان پیش‌نیاز تدوین منشور آموزش و خدمات طب اسلامی، فهرست‌وار بیان کرد:

۱. هم کتاب تکوین و هم کتاب تشریع، هر دو، دست ساخته حکمت خدای یکتا و در هماهنگی و همسویی با یکدیگر است و آنچه به عنوان طب اسلامی می‌شناسیم، بهره‌گیری از مجموعه دستاوردهای دانش پزشکی هماهنگ با نظام تشریع است.
۲. جایگاه خلقت آدمی، اصل کرامت او و اهمیت حفظ حیات سلامت انسان و قواعد فقهی پشتیبان حیات و حقوق بشر، پزشکی را تقدیس می‌کند، و در عین حال مسؤولانه به خدمت انسان‌ها فرا می‌خواند.
۳. در طب اسلامی برخلاف منطق لائیسزم که هویت انسان را Biopsychosocial می‌شناسد، آدمی هویت spritobiopsychosocial دارد. در این مکتب پزشکی علاوه بر تمام جنبه‌های مورد توجه مکاتب لائیک و در رأس آن‌ها، تأثیر عوامل روحی، عاطفی و معنوی بر سلامت و بیماری مورد تأکید قرار می‌گیرد.
۴. نظام مدیریت جامعه و به عبارت دیگر همه ارکان مدیریت جامعه اسلامی علاوه بر مسؤولیت بخش‌های مرتبط، برای تأمین و ارتقای سلامت آحاد مردم مسؤولیت مشترک دارند.
۵. طب اسلامی، بهره‌گیری از مجموعه دستاوردهای قابل اطمینان پزشکی را برای ارائه صحیح‌ترین، منطقی‌ترین و سودمندترین خدمات پزشکی در محترمانه‌ترین

و مسئولانه‌ترین کیفیت به گیرندگان خدمت، ضروری می‌داند و در هر گام، بر حضور و نظارت الهی بر صحت، دقت و سودمندی رفتار تأکید می‌کند.

۶. ویژگی‌های استاد و دانشجو و تفکیک‌ناپذیری آموزش و ارائه خدمات از بایدها و نبایدهای مترقی فقهی، مجموعاً پزشکی را با همه جوانب آن، شاهرهای برای وصول به مقام قرب الهی و ارتقای سلامت جسم و جان آدمیان قرار می‌دهد.

سلامت و اعتدال مزاج، زیربنای تکامل معنوی و سیر الی ...

در کتاب سرمایه / ایمان تألیف ملا عبدالرزاق لاهیجی (قرن ۱۲ هجری) حدیث زیبایی از امیرالمؤمنین علیه‌السلام در پاسخ به عالم مسیحی که از آن حضرت با لحن استنکار سؤال کرده بود، آورده شده است که بسیار عمیق و آموزنده و همسو با ضرورت توجه به صحت بدن و اعمال آن به عنوان زیرساختی برای تکامل معنوی است:

«أليس من اعتدل طباعه صفي مزاجه؟ و من صفي مزاجه، قوي أثر النفس فيه؟ و من قوي أثر النفس فيه سما إلى ما يرتقيه؟ و من سما إلى ما يرتقيه فقد تخلّق بالأخلاق النفسانية؟ و من تخلّق بالأخلاق النفسانية فقد صار موجوداً بما هو انسان دون أن يكون بما هو حيوان فقد دخل في الباب الملك الصوري و ليس له غير هذه الغاية».

نتیجه

سخن را با ذکر جمله‌ای از دعای بیست و سوم صحیفه سجادیه به پایان می‌بریم. در این جمله، وجود مقدس امام سجاد علیه‌السلام ضمن درخواست از پرودگار برای دستیابی به یک سلامت کامل و جامع، به نکته جالب و مهمی تحت عنوان ارتقای سلامت (عافیه نامیه) اشاره می‌فرماید. این موضوع همان است که بعد از ۱۴ قرن و در سرآغاز هزاره سوم میلادی تحت عنوان Health Promotion به عنوان شاهبیت اندیشه‌های نوآور جهان علم به یک اشاره جهانی و افتخارآمیز مورد توجه بسیار است:

«و عافني عافية كافية شافية عالية نامية»

پی‌نوشت‌ها

- ۱- /بنگرید به: قمی، حاج شیخ عباس. مفاتیح الجنان. ترجمه محی‌الدین الهی قمش‌ای. اعمال ماه شعبان المعظم. قم: نشر روح/
- ۲- /بنگرید به: بحارالانوار. محمد باقر مجلسی. مکتب اسلامی. تهران. انتشارات اسلامی. ج ۱. ص ۱۶۳/
- ۳- /بنگرید به: بحارالانوار، محمد باقر مجلسی، مکتب اسلامی، تهران. انتشارات اسلامی. ج ۶۲. ص ۷۴/
- ۴- /بنگرید به: نهج البلاغه کلمات قصار. ابوالحسن محمد بن حسین موسوی معروف به سید رضی. ص ۴۸۱/
- ۵- /بنگرید به: وسائل الشیعه. شیخ محمد بن حسن الحر العاملی. ج ۲۷. ص ۲۷/

فهرست منابع

- اصفهان، محمد مهدی. (۱۳۸۸). آیین تندرستی. چاپ دهم.
- اصفهان، محمد مهدی. (۱۳۸۷). محتوا و ویژگی‌های طب اسلامی، اولین همایش ملی فرهنگ و میراث پزشکی اسلام و ایران، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی.
- الحر العاملی، شیخ محمد بن حسن. وسائل الشیعه. ج ۲۷.
- قمی، حاج شیخ عباس. مفاتیح الجنان. ترجمه محی‌الدین الهی قمش‌ای. اعمال ماه شعبان المعظم. مجلسی، محمد باقر. بحارالانوار. ج ۱ و ۶۲.
- نجم‌آبادی، محمود. (۱۳۷۱). تاریخ پزشکی ایران. ج ۲.
- موسوی، ابوالحسن محمد بن حسین معروف به سید رضی. نهج البلاغه، کلمات قصار.

یادداشت شناسه مؤلف

محمد مهدی اصفهانی، استاد دانشکده طب سنتی دانشگاه علوم پزشکی تهران

نشانی الکترونیکی: markazqt@yahoo.com

تاریخ وصول مقاله: ۱۳۸۸/۱۱/۱۵

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۸۹/۱/۳۰